

گذری بر اخلاق دانشجویی از منظر اسلام با آسیب‌شناسی آن

| محمدرضا مهدوی عباس آباد* اگر مجموعه معارف و تعالیم اسلامی را به درختی ریشه‌دار و پر شاخ و برگ تشبیه کنیم، آموزه‌های اعتقادی به منزله ریشه، احکام و موازین فقهی، بسان شاخ و برگ و اخلاق، به مثابه میوه آن درخت خواهد بود. به دیگر سخن، هدف نهایی و غایت فقه‌های دین، برطرف کردن کاستی‌های رفتاری و درمان بیماری‌های نفسانی و پرورش «انسان کامل» و در نتیجه برپایی جامعه مطلوب و برخوردار از موازین صحیح اخلاقی است چنان‌که در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: «انما بعثت لا تمم مکارم الاخلاق»: بی‌گمان من (به پیامبری) مبعوث شدم تا مکارم اخلاقی را به اتمام رسانم. مقوله اخلاق در اسلام، از چنان جایگاهی برخوردار است که بر اساس یکی دیگر از احادیث نبوی، خلق نیک، نیمی از دین است. (حسن الخلق نصف الدین) بر اساس این واقعیت، بر تمامی اقشار جامعه اسلامی است که در تربیت نفس و تهذیب اخلاق، سعی بلیغ کنند و با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و منابع سرشار روایی و با تأسی به نقش و سیره پیشوایان دین و بزرگان اخلاق، رفتار فردی و جمعی خود را آن چنان که مطلوب صاحب شریعت است، سامان بخشند. در این میان باید به دانشجویان، با اهمیتی ویژه نگرست، زیرا از یکسو، شاهد اثرپذیری خانواده‌ها و دیگر جوانان به خصوص دانش‌آموزان از این قشر هستیم و از سوی دیگر، این جمعیت، مدیران و کارگزاران آینده خواهند بود و بی‌گمان منش و اخلاق آنان، نقشی تعیین‌کننده در تعالی یا انحطاط جامعه در ابعاد گوناگون آن خواهند داشت. این نوشتار در مقام بررسی و تحلیل مسائل اخلاق دانشجویی از جمله جایگاه و تعریف آن، پیشینه بحث، اخلاق دانشجویی از نظر اسلام و بررسی نمونه‌ای از چالش‌های اخلاق دانشجویی تحت عنوان ارتباط دانشجویان دختر و پسر است.

واژگان کلیدی: اخلاق دانشجویی، ارتباط، اسلام، چالش، دختر و پسر

جایگاه و تعریف و مسائل عمده اخلاق دانشجویی

اخلاق دانشجویی زیر مجموعه اخلاق آموزش و پرورش قرار می‌گیرد و عرصه‌های مختلف حیات و فعالیت دانشجو را دربر می‌گیرد. از هنجارهای حاکم بر نوع برخورد با استاد، مدیران و هم‌کلاسان تا هنجارهای حاکم بر فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و الزامات اخلاقی در محیط خوابگاه و... ولی آسیب‌های آموزشی ذیل بیشتر توجه نویسندگان و پژوهشگران اخلاق در آموزش عالی را به خود معطوف داشته است:

تقلب در امتحانات، سرقت ادبی و رونویسی از کار دیگران به هنگام تحویل پروژه‌های موظفی، کمک‌گرفتن یا کمک دادن غیر مجاز در انجام تکالیف انفرادی، کشف و پخش سؤالات امتحان یا کلیدهای تست.

اصول و مقررات رفتار شرافتمندانه^۱ در برخی مدارس و مراکز آموزش عالی برای مساعدت در جهت کشف، بازدارندگی، تنبیه متقلبان و متخلفان تدوین شده است. این منشورها از دانش‌آموزان و دانشجویان می‌خواهند که به رعایت اصول و قواعد رفتار شرافتمندانه متعهد شوند. همین‌طور ممکن است از دانشجویان شاهد

● استادیار دانشکده الهیات و
علوم اسلامی دانشگاه تبریز
mohamadrezamahdavi1343@
yahoo.com
1. Honor Codes



صفحه‌ای از گلستان سعدی
اثر میر سید علی

تخلف بخواهند که موارد تخلف را گزارش کنند و ممکن است دادگاه یا هیئت منصفه دانشجویی درباره تخلف دانشجو داوری کند. بررسی‌ها نشان داده که تقلب و تخلف در مدارس متوسط و عالی که از اصول و مقررات رفتار شرافتمندانه پیروی می‌کنند، کمتر است (اخلاق کاربردی، ص ۱۱۲، ۲).

پیشینه بحث

این شاخه از اخلاق کاربردی به صورت مستقل از علوم جدید محسوب می‌شود و در دهه‌های پایانی قرن بیستم شکل گرفته، اما رگه‌ها و ریشه‌های آن تحت عنوان کلی تعلیم و تربیت مورد بحث واقع شده است. مخصوصاً در آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت وظایف و آداب متعلمین مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است که به برخی نمونه‌های آن اشاره می‌شود:

۱. جاحظ متکلم و ادیب معروف قرن دوم و سوم (۱۵۰-۲۵۵ق) در تعلیم و تربیت، برای تشویق و تنبیه، نقش برجسته‌های در نظر گرفته است. به عقیده وی تلاش فرد در آموختن مطالب، باید مورد قدردانی و تشویق قرار گیرد و سهل‌انگاری و سستی او با نکوهش و تنبیه پاسخ داده شود. این روش تربیتی در رشد و تعالی آموزش و پرورش تأثیر شایانی دارد. منتها به نظر وی، روش تربیتی تشویق و تنبیه، زمانی نتایج ارزنده خود را به دنبال دارد

اخلاق دانشجویی
زیر مجموعه
اخلاق آموزش
و پرورش قرار
می‌گیرد و
عرصه‌های مختلف
حیات و فعالیت
دانشجو را دربر
می‌گیرد

که در اجرای آن، اصول و نکاتی رعایت شود، در غیر این صورت نه تنها نقش تربیتی خود را ایفا نمی‌کند، بلکه گاهی پیامدها و آثاری سوء و منفی در پی خواهد داشت (آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم، ج ۱، ص ۴۹ - ۵۰). ۲. قابسی (۳۲۹-۴۰۳ هـ.ق) که به‌عنوان یک محدث و فقیه و متکلم و معلم از سوی علمای مشهور معاصر خود پذیرفته شده است، در بین ۱۵ اثر شناخته شده او که بیشتر درباره اصول عقاید و عبادات و حقوق اسلامی هستند اثری نیز در تعلیم و تربیت با نام «الرساله المفصله لآحوال المتعلمین و احکام المعلمین و المتعلمین» دارد که نشانگر لیاقت و توانایی علمی او در بین علمای تعلیم و تربیت اسلامی است.

قابسی در این کتاب در خلال مباحثات خود مناسبات حقوقی دانشجویان با معلمین و سایر مسائل را مطرح و جواب‌ها و راهنمایی‌های کلی را ارائه کرده است، به‌عنوان مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: آیا می‌توان به جای معلم و لو موقتاً از محضر شخص دیگری استفاده کرد؛ اگر به علت مهاجرت یا مسافرت معلم عوض شود چه مسائلی پیش می‌آید؟ آیا دانشجو به‌جز تحصیل می‌تواند به کار دیگری بپردازد؟ تحت کدام شرایط اجباری و چه زمانی معلم مجاز است درس را تعطیل کند؟ اگر برای ادای شهادت به محکمه‌ای دعوت شود و نیز او تنها شاهد دعوا باشد و محاکمه در مکان دوری تشکیل گردد و بدین مناسبت مسافرتی ضروری پیدا کند وضع درس و کلاس و دانشجو چگونه باید باشد؟ ذکر این گونه نکات دقیق و تجزیه و تحلیل وظایف و اختیارات هر گروه موظف در تعلیم و تربیت، تسلط قابس را در آموزش و تدوین نظامنامه و آیین‌نامه از سوی وی نشان می‌دهد (تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۵۳ - ۵۵).

۳. ابن خلدون (۷۳۲-۸۰۸ ق) در مقدمه معروف تاریخش مطالب پراچی در مورد آداب و اخلاق دانشجویی ارائه می‌دهد از جمله می‌نویسد:

دانشجویان نیز در تحصیل وظایفی دارند و باید در این راه ثابت‌قدم باشند و دنباله درس‌ها را رها نکنند چه در صورت سستی و ترک تحصیل، آنچه را که یاد گرفته‌اند فراموش می‌کنند و ناسودمند و بیکار، بار می‌آیند. ابن خلدون به این اهل تأکید می‌کند که برای کسب دانش محرومیت و سختی باید کشید و استقامت داشت و تکرار کرد. روش دیگری که دانشجویان ملزم به رعایت آن هستند عدم اشتغال به دو موضوع در زمان واحد است چرا که تداخل مباحث سبب گسیخته شدن رشته تفکر و اندیشه شده و یادگیری هر دو مطلب را دشوار خواهد کرد (مقدمه ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۱۳۲).

۴. خواجه نصیر الدین طوسی (م ۶۷۲ هـ.ق) ظاهراً نخستین کسی است که کتاب مستقلی در اخلاق دانشجویی با عنوان «کتاب آداب المتعلمین» نوشته و دارای فصول و ابوابی است که همواره دانشجویان را مورد خطاب قرار داده است. ابواب کتاب او به‌طور اجمال در ماهیت و فضیلت علم، انگیزه‌های دانشجویی، انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب استاد، انتخاب هم‌شاگردی، تلاشگری و برنامه‌ریزی در عرصه تحصیل، توکل، اعتماد به نفس، تقوا، مهربانی، فروتنی دانش‌پژوهان و راه‌های نیرومند ساختن حافظه و توسعه دانش و ضرورت‌های بهداشتی در زندگی دانشجویی خلاصه می‌شود (آیین اخلاقی دانشجویان، ص ۱۷).

۵. شهید ثانی (م ۹۶۶ هـ.ق) دیگر دانشمند بزرگ شیعی است که کتاب «منیة المرید» را در این راستا تألیف کرده است. کتاب او مفصل‌تر از کتاب پیشین و دارای یک مقدمه در فضیلت علم و عالم و سه فصل و یک خاتمه است که ضمن آن به آداب و وظایف شاگرد و معلم، آداب فتوا و مفتی و مستفتی و در باب سوم به آیین نگارش و نگهداری کتب پرداخته و خاتمه را به ذکر مطالب با ارزش اختصاص داده است (مآخذ بالا، منیه‌المرید، ص ۱۰۳).

اخلاق دانشجویی از نظر اسلام

جایگاه دانشجو

دانشجویان در میان مردم مرتبتی بس سترگ دارند، به‌گونه‌ای که چون فطرت، دانش و دانشجویان را می‌ستاید، دانشجویان هدفدار از محبوب‌ترین گروه‌های جامعه در شمارند و مردم در درون خود ارادت ویژه‌ای به دانشجویان نشان می‌دهند. این محبوبیت در زمین منحصر نیست، بلکه طالبان علم واقعی که خالصانه برای رضای محبوب

در طلب دانش‌اند، بیش از آنکه در روی زمین معلوم‌القدر باشند و بهره ببرند، در آسمان‌ها و ملکوت عزیز شناخته شده‌اند. در روایتی چنین آمده است:

«فرشتگان آسمان، به‌خاطر خشنودی از کار دانشجو، بال‌های خود را در برابر دانشجو فرود می‌آورند.» (منیه‌المريد، ص ۱۰۰)

دانشجوی واقعی از چنان مقام و منزلتی برخوردار است که بنابر حدیثی، پیامبر گرامی اسلام فرمود: «من احب ان ينظر الي عتقاء الله من النار فليُنظر الي المتعلمين...» (آیین اخلاقی دانشجویان، ص ۱۷۲) البته با توجه به دیگر نصوص دینی، کسانی از آتش و کیفر اخروی، آزاد هستند که پیش از آن خود را از هواهای نفسانی و امیال شیطانی آزاد و رها کرده باشند.

دانشجو و ارتباطات

ارتباط دانشجو و استاد

از ضایعات سیستم آموزشی کلاسیک برداشتن پیوندهای قلبی بین استادان و دانشجویان است. وارد شدن مفهوم مدرک، آزمون و اجبار به محیط‌های آموزشی، احساسات عاطفی و معنوی را بین استاد و شاگرد کم رنگ کرده است، به گونه‌ای که در بسیاری از موارد، مریضی استاد بیش از سلامت او مورد رضایت دانشجو قرار می‌گیرد چرا که دانشجویان، دانش را نمی‌جویند بلکه در جست‌وجوی راه آسان برای دریافت مدرک بدون آزمون یا با آزمون خیلی آسان و دست به نمره‌ای خوب و بدون حضور در کلاس هستند و اگر پیوندی به حکم ضرورت ایجاد شود فقط بین گوش‌ها و دست‌ها و زبان‌هاست ولی بین قلب‌ها و نفس‌ها هیچ رابطه‌ای برقرار نمی‌شود اما در سیستم‌های آموزشی آزاد که به جای نمره محور، آموزش محورند، نخست دانشجو، نه تنها استادش را دوست دارد، بلکه به او عشق می‌ورزد سپس از او درس می‌آموزد، شاید هم به این دلیل که او خودش با میل و رغبت استادش را انتخاب کرده و هیچ سیستمی او را تحمیل نکرده است (اخلاق و آداب دانشجویی، ص ۱۲۵ - ۱۲۷). در لابه‌لای روایات، به حقوق فراوان استاد به شاگرد بر می‌خوریم که از جمله آن‌هاست: (دانشجو، تربیت، پویایی، ص ۲۳۹ - ۲۴۰)

● تواضع و فروتنی: در فرازی از سخنان رسول خدا (ص) آمده است: «تواضعوا لمن تعلمون منه: نسبت به کسانی که از آنان، دانش فرا می‌گیرید، فروتنی کنید.»

● تکریم و تعظیم: در عبارتی از امام سجاد (ع) آمده است: «و حق سائسک بالعلم التعظیم له و التوقیر لمجلسه: حق (استاد) و راهبر علمی تو این است که او را بزرگ داشته، مجلسش را گرامی بداری»

عنوان تکریم و تعظیم به سبب عام و گسترده بودنش، دربر گیرنده مصادیق فراوانی است که بر جوینده دانش و کمال، لازم است آن‌ها را به دقت رعایت کند از جمله: در حضور او تکیه نکردن، دراز نکردن پاها، شوخی سبک نکردن، با صدای بلند نخندیدن، پشت به او نمودن، کج و خیره به او نگاه نکردن، بر بدن و لباس او دست نگذاشتن، پیشاپیش او راه نرفتن، در حضور او با دیگر دانشجویان بد خوئی و مشاجره نکردن، در اثنای درس با یکدیگر سخن نگفتن و به مطالعه یا نوشتن درس دیگری نپرداختن، برخاستن هنگام ورود او به کلاس، حضور قبل از استاد در کلاس، اجازه گرفتن هنگام ورود به کلاس و خروج از آن، او را با نام خطاب نکردن، بلکه استفاده از عناوینی مانند «استاد» و امور دیگری که برخی از آن‌ها به سبب اهمیتشان به‌طور مستقل در روایات آمده‌اند.

● درس او را به نیکی گوش دادن:

در سخنی از امام علی (ع) آمده است:

هرگاه در حضور عالم نشست، بر شنیدن (سخن او) حریص‌تر باشد تا سخن گفتن (با او) و نیک گوش دادن را فراگیری همان‌گونه که نیک سخن گفتن را فرا می‌گیری، و سخن هیچ‌کس را قطع مکن.

● افراط‌داشتن در پرسش‌گری:

از امام علی (ع) نقل شده است: ان من حق العالم ان لا تكثر عليه السؤال: از جمله حقوق شخص عالم این است که از او زیاد نپرسی»

آسیب‌ها و مشکلات فرا روی دانشجو به عواملی چند بستگی دارد از جمله از دست دادن فرصت‌ها و عمر گران‌بها، وقت گوه‌ری گران‌بهاست که در گرانی و ارزش هیچ چیزی به پای آن نمی‌رسد اگر چه مدت عمر انسان در این دنیا محدود و در مقایسه با ابدیت اندک است اما اگر انسان قدر آن را بشناسد و از لحظه‌لحظه آن به‌خوبی استفاده کند، تردیدی نیست که توشه ابدیت را می‌تواند از آن برگیرد

● پیش نگرفتن در پاسخگویی:

در ادامه حدیث بالا آمده است: «... و لا تستبقه فی الجواب: از جمله حقوق عالم این است که در پاسخگویی بر او پیش نگیری.»

● پرهیز از غیبت افراد در حضور او:

غیبت کردن از افراد، در همه حال ناپسند است و در حضور استاد، ناپسندتر، زیرا این کار موجب ناراحتی او می‌شود، در ادامه حدیث مزبور از قول امام علی (ع) آمده است: «و لا تغتاب عنده احدا: و در حضور او از کسی غیبت نکنی.»

● ابراز خستگی نکردن از ادامه درس:

از امور ناپسند که در بسیاری از مراکز آموزشی ما رواج یافته این است که هنوز وقت مقرر برای تدریس، به پایان نرسیده، استاد با چهره‌های خسته و عبارت «خسته نباشید» برخی از دانشجویان روبه‌رو می‌شود و از این لحظه تا پایان ساعت مقرر، کلاس بازدهی مطلوب خود را از دست می‌دهد. بر طبق حدیث پیشین، علی (ع) از این حالت نهی می‌کند و می‌فرماید:

«و لا تملّ من طول صحبتہ»: و از حقوق او این است که از طول کشیدن سخنش ملول و خسته نشوی.

● بلند نکردن صدا در حضور او

● دفاع از آبروی او

● پوشانیدن عیب‌ها و آشکار کردن کمالات او

حقوق سه‌گانه اخیر و شماری دیگر از حقوق استاد بر دانشجو، در گفتار زیر از امام سجاد (ع) تأکید شده است: حق (استاد) و راهبر علمی تو این است که او را بزرگ بداری، مجلسش را گرمی داشته، به سخنانش خوب گوش دهی، به او روی آوری، صدايت را بر او بلند نسازی، در مجلسش از کسی سخن به میان نیاوری و احدی را غیبت نکنی و هر گاه پیش تو از او بدگویی شد، از او دفاع کنی، عیب‌هایش را بپوشانی و خوبی‌هایش را آشکار نمایی، با دشمنش هم‌نشینی نکنی و با دوستش دشمنی نورزی، هر گاه چنین رفتاری با استاد خود داشتی (مشمول عنایت و توفیق الهی خواهی شد) و فرشتگان الهی گواهی خواهند داد تو آهنگ چنین استادی را داشته‌ای و دانش او را برای خداوند و نه برای مردم فراگرفته‌ای.

ارتباط با دانشجویان در محیط دانشگاه و خوابگاه

محیط دانشگاه که شامل گروه‌های اجتماعی با اهداف مشترک و ایده‌ها و نظریات مشابه است بهترین فرصت برای رشد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری است. دانشجو وقتی که وارد گروه‌های دانشجویی می‌شود انسان‌های زیادی را می‌بیند با روحیه‌های گوناگون، در این حال باید با انسان‌های وارسته، مستعد و کوشا طرح دوستی بریزد و از آنان همانند یک برادر ایمانی استقبال کند و با دوستان ناباب، تنها به همکاری علمی اکتفا کند مبادا که تحت تأثیر اخلاق سوء آنان قرار گیرد. اگر فرد ضعیف‌الایمانی است باید در برخوردها محتاطانه‌تر گام بردارد و به‌زودی با کسی دوست نشود مگر هنگامی که به سلامت قلب و روح شخص پی ببرد.

برخی دانشجویان، آن‌قدر خود را ساخته‌اند که در مقابل گناه محضر خدا را درک می‌کنند و با تمام وسوسه‌های دوست بد، نزدیک گناه نمی‌شوند. وارد جمع می‌گردند، منحرفان را سعی می‌کنند هدایتش کنند و در برابر هدایت یافتگان نیز می‌کوشند که از آنان بهره ببرند و با آنان همکاری کنند (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، ش ۷۹).

ناگفته نماند که اگر دانشجویی درخود چنان قدرتی را دید که بدون تأثر از آن دانشجویان موفق در تحصیل علم و ناموفق در تحصیل اخلاق و ایمان و تقوا بتواند از دانش آنان سود برد این عمل را انجام دهد، زیرا امامان معصوم (ع) فرموده‌اند: «حکمت و دانش را بگیری اگر چه از مشرکان و منافقان.» (دانشجو، تربیت، پویایی، ص ۲۴۰ - ۲۴۱)

اما در ارتباط دانشجو با محیط خوابگاه، باید دانست که خوابگاه برای دانشجویی که در پی علم است بسیار مناسب‌تر از خانه است. در مقایسه‌ای میان خانه و خوابگاه می‌توان چند مزیت را برای خوابگاه برشمرد:

۱. مهم‌ترین مزیت خوابگاه نسبت به خانه آن است که بر خلاف خانه یک محیط علمی است، غالباً در یک خوابگاه شرایط متناسب تحصیل و مطالعه فراهم است. این تناسب محیط و اشخاص مهم‌ترین عامل پیشرفت می‌شود و شخص بدون وجود محیط زندگی غیرعلمی خانه می‌تواند در کتاب و مطالعه و تحقیق و... غرق شود و هیچ مزاحمتی در راه این امور نباشد.

۲. دانشجو باید پایه‌های معنوی خود را در خوابگاه مستحکم کند و گر نه بعداً به دشواری می‌توان کار کرد محیط عطر آگین خوابگاه را که از آن بوی نور دانش با جان استشمام می‌شود باید غنیمت شمرد.

۳. زندگی در خوابگاه یک تجربه حیات اجتماعی است و دانشجو مجبور می‌شود که از سویی کارهای شخصی خود را مستقلاً خود انجام دهد و از جانب دیگر به ناچار باید حقوق دیگران را در این حیات اجتماعی علمی نگاه دارد، این امر باعث می‌شود تا دانشجویی که هنگام ورود به خوابگاه و قبل از آنان یک نیروی مصرف‌کننده بود و با حقوق دیگران آشنا نبود تا چه رسد به رعایت آن‌ها، امروز خود غذا بپزد و لباس بشوید، به نظافت جسم و جای خود بپردازد و زندگی اجتماعی را تجربه کند.

این امور سبب می‌شود که پس از ترک خوابگاه، فردی با اعتماد به نفس، پایدار در برابر سختی‌ها، مستقل، آشنا به زندگی اجتماعی و حقوق انسان‌ها و مہیای تشکیل خانواده تحویل جامعه شود.

۴. خوابگاه یک محیط علمی است و دانشجو کمتر به مشغولیت‌های زندگی سرگرم می‌شود، لذا زمینه رشد معنوی و کثرت عبادت، تلاوت قرآن، نماز شب و... بسیار فراهم است.

دانشجو باید این دوران را غنیمت بشمارد و بداند که پس از پایان تحصیل و ورود به جامعه چنان سرگرم فعالیت‌های اجتماعی، تشکیل خانواده و اشتغال می‌شود که دیگر توفیق کسب آن حالات معنوی را نمی‌یابد (امالی طوسی، ص ۶۶).

آسیب‌شناسی اخلاق دانشجویی از نظر اسلام شناختن ارزش وقت

آسیب‌ها و مشکلات فرا روی دانشجو به عواملی چند بستگی دارد از جمله از دست دادن فرصت‌ها و عمر گران‌بها، وقت گوهری گران‌بهاست که در گرانی و ارزش هیچ چیزی به پای آن نمی‌رسد اگر چه مدت عمر انسان در این دنیا محدود و در مقایسه با ابدیت اندک است اما اگر انسان قدر آن را بشناسد و از لحظه‌لحظه آن به‌خوبی استفاده کند، تردیدی نیست که توشه ابدیت را می‌تواند از آن برگیرد.

انسان باید در مصرف این اوقات، سخت و حساس باشد، زیرا از لحظه‌لحظه آن پرسش می‌شود و ضایع کردن اوقات، ستمی عظیم به شخص است.

امام صادق (ع) فرموده‌اند:

از جمله پندهای لقمان حکیم به فرزندش این بود که فرزند دلبندم! برخی از روزها، سال‌ها و لحظه‌های روزت را به کسب دانش بپرداز، زیرا هیچ ضایع کردنی چون تضییع این امر نیست (غررالحکم، ج ۵، ص ۵۲۵).

در بسیاری از روایات «مغبون» حقیقی کسی شمرده شده که اوقات گران‌قدر عمر خویش را بیهوده از دست بدهد. حضرت علی (ع) می‌فرماید:

مغبون کسی است که عمر گرانش را به چیزی بخت و بی‌ارزش بفروشد و مغبوط و نیک فرجام کسی است که عمرش را در فرمانبری از خداوند سپری کند (مکارم‌الاخلاق، ص ۴۵۹).

در میان اوقات عمر انسان، هیچ دوره‌ای گران‌قدرتر از دوره جوانی نیست، به همین دلیل گذر عمر که در روایات به گذر آب در جوی یا تیر از کمان یا عبور ابر از آسمان توصیف شده است و تأکید شده که فرصت‌ها را غنیمت شمرد که چون ابر گذر است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: سخت‌ترین غصه‌ها از دست رفتن فرصت‌هاست. دقت شود زمان از نظر کمیت و کیفیت طرح است. بعضی فرصت‌ها کیفیتی دارند که هرگز در هیچ زمانی جبران‌پذیر نخواهد بود.

دانشجو باید فرصت‌های خوب زندگانی را غنیمت شمرده و در دوران آسودگی خیال و آسایش خاطر و نشاط

و شادابی و جوانی و قدرت بدنی و بیداری و هوشیاری ذهن و سلامت حواس و عدم تراکم اشتغالات و فقدان عارضه‌های مختلف زندگانی به تحصیل علم پرداخته و فرصت‌های خوب این دوره‌ها را از دست ندهد. به‌خصوص باید پیش از آنکه حائز مقام و منصبی والا شود و قبل از آنکه به علم و فضل، مشهور و نامدار شود در اعتنام فرصت‌های دوران جوانی و نیرومندی برای تحصیل علم و اندوختن دانش، سعی و کوشا باشد، زیرا به‌محض آنکه انسان مقام و منزلتی در جامعه پیدا کرد و به علم و دانش نامور شد، نه تنها این امر، میان این شخص و درک کمالات معنوی و علمی او، مانع می‌شود که خود عاملی در جهت رکود علمی معنوی خواهد شد.

«ای ابوذرا! از فردا فردا گفتن پرهیز کن، تو امروز زنده‌ای و از فردا بی‌خبری و امروز چنان کن که اگر فردایی نداشتی از ضایع کردن امروز پشیمان نگردی، هر گاه به صبح رسیدی، امیدی به رسیدن شام مدار و در شام، امیدی به رسیدن بامداد نداشته باش.» (تحف‌العقول، ص ۵۶)

نیز از آن حضرت درباره عمر پرسیدند فرمودند:

«در روز قیامت، بنده قدم از قدم بر نمی‌دارد مگر آنکه از وی می‌پرسند: عمرش را در چه اموری صرف کرد، جوانی را در چه چیز به پیری رسانده، مالش را در کجا صرف کرده، امام و رهبرش چه کسی بوده است.» (امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۹)

ضعف و سستی اراده

در مسیر خودسازی یکی از اهم سؤالات دانشجو علل ضعف و سستی اراده است که در ریشه‌یابی آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

● بی‌نظمی و توجه‌نداشتن به استعداد:

دانشجو باید برای تمام کارهای علمی و غیر علمی خود و خرد و کلان آن، برنامه داشته و همه چیزش حساب شده باشد. پس برنامه‌ریزی «واقع‌گرایانه» و توجه به استعداد از عوامل بهره‌گیری درست از وقت به شمار می‌روند. ● غفلت از مرگ:

کسی که از مرگ غافل است و خبر ندارد که ضمانتی در زنده ماندن او نیست، همیشه فردا و فردا می‌کند و همه کارها را به آینده موکول می‌کند، این امر باعث می‌شود که قدر و قیمت وقت را نشناسد و در آینده حسرت جانکاه تضییع آن را بچشد، البته ممکن است که مرگ چنین شخصی به زودی فرا رسد و میان او و خواسته‌ها و آرزوهایش برای همیشه فاصله اندازد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

«چه بسیارند کسانی که روز خود را به پایان نمی‌برند و چه بسیارند که منتظر فردایی هستند که هیچ‌گاه بدان نمی‌رسند.» (غررالحکم، ج ۵، ص ۲۹۵)

و علی (ع) می‌فرمایند:

«آنکه مراقب اجل خود باشد فرصت‌ها را غنیمت شمارد.» (غررالحکم، ج ۴، ص ۱۷۴)

● بازی و سرگرمی

در اسلام یکی از عوامل ضایع کردن وقت، لهو و لعب و پرداختن به امور بی‌بهره است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

«بازی بدترین چیزی است که عمر را ضایع می‌کند.» (غررالحکم، ج ۶، ص ۳۱۴)

«عمر خود را در لهو و بازی‌ها مگذران تا در آخرت امیدت قطع نگردد.» (غررالحکم، ج ۵، ص ۳۳۰)

البته تفریحات سالم که در روایت به «طرائف حکمت» نام‌گذاری شده و باعث رشد استعدادها و تجدید قوا می‌شود، خارج از این موضوع است.

● اشتغال به کارهای غیر مهم:

انسان و به‌ویژه دانشجو باید در انجام کارها «اولویت» را حفظ کند یعنی هر کاری را با توجه به کثرت اهمیت آن انجام دهد.

«هر که به کار غیر مهم بپردازد، از کار مهم‌تر باز می‌ماند.» (کافی، ج ۶، ص ۲۶۹)

در میان اوقات
عمر انسان،
هیچ دوره‌ای
گران‌قدرتر
از دوره جوانی
نیست، به همین
دلیل گذر عمر
که در روایات
به گذر آب در
جوی یا تیراز
کمان یا عبور ابر
از آسمان توصیف
شده است و تأکید
شده که فرصت‌ها
را غنیمت شمرد
که چون ابر گذر
است

این سخن، بسیار عمیق و پرمعناست و سزاوار اندیشه و تأمل فراوان است.

● نبودن بهداشت روح و روان و جسم:

اگر دانشجویی در خوردن و خوابیدن، پرخوری با دیگران و هر رفتار شخصی دیگر، موازین درست و متعادل را رعایت نکند، به‌ناچار در او نارسایی روحی یا جسمی پدید می‌آید، برای مثال اگر غذای ناسالم بخورد، تن او بیمار می‌شود و باید وقت زیادی را صرف دارو و درمان کند و ای بسا از درس خود باز ماند یا اگر به جانب روان خود اهمیت ندهد همین‌گونه در سختی می‌افتد. بنابراین دانشجو باید در تمام حرکات و سکنات خود به احکام اسلامی که به تمام زوایای زندگی انسان توجه دارد، اهمیت بدهد تا از جسم و جانی سالم بهره‌مند شود و فرصت‌های ارزشمند را تضییع نکند. از هرگونه عملی که سلامت روانی او را تهدید می‌کند بپرهیزد. رفتارهای نابهنجار روانی غالباً بر اثر عدم رعایت احکام اسلامی پدید می‌آید اگر عواطف انسانی در کنترل نیابند و مهار نشوند باعث می‌شود که بهداشت روانی به خطر افتد. در دعای هشتم صحیفه سجاده می‌خوانیم: «پرودگارا! پناه می‌برم به تو از هیجان حرص و شدت خشم و تسلط غضب و کمی صبر و پیروی از هوای نفس یا تمایلات» این عواطف، در رفتار انسان اثر بسزا دارند. مهم‌ترین عامل بهداشت روان، تصحیح اعتقاد و انگیزه تحصیل است. اگر دانشجو انگیزه مادی نداشته باشد و هدف او از کسب دانش، تنها جلب خشنودی خداوند و نیز خدمت به خلق او باشد، همیشه آرام است و این آرامش، زاییده اعتقاد صحیح و ذکر خداست. دانشجویی که مقصود او از تحصیل دانش، تنها امور مادی است همواره در اضطراب است که مبادا مانعی میان او و خواسته‌ها و شهواتش جدایی اندازد.

در چند جای قرآن کریم سخن از شرح صدر رفته است. کسی که بر اثر ایمان به خدا فراخ سینه شود، همه چیز را زیبا می‌بیند، به همه چیز مهر می‌ورزد، همه را دوست دارد، زیرا آن‌ها را از آفریدگان خدا می‌بیند، او نه تنها از تهیدستی به تنگ نمی‌آید بلکه شرح صدر او باعث می‌شود که به خاطر خدا و رضایت به خواست او همه چیز برایش زیبا جلوه کند. آیا با این حال جایی برای مشکلات روحی، روانی و عصبی می‌ماند؟ دانشجو باید در غذای خود بنگرد از کجا آمده چگونه به‌دست آمده و از چه موادی و منابع مالی تشکیل شده، با چه برنامه‌ای مفیدتر واقع می‌شود، بکوشد که در بهداشت تغذیه چند امر را رعایت کند:

اول اینکه از پرخوری بپرهیزد، امام محمد باقر (ع) می‌فرماید:

«تزد خداوند هیچ چیز مبعوض‌تر از شکم پر نیست.» (المحجۃ البیضاء، ج ۵، ص ۱۵۱)

مهم‌ترین نتیجه پرخوری تهدید سلامت جسمی و روانی است، این امر باعث می‌شود که قوه درک شخص به خوبی فعالیت نکند و منشأ بسیاری از بیماری‌ها گردد که ای بسا شخص دانشجو را از کسب دانش محروم گرداند. لقمان حکیم درباره تأثیر پرخوری بر عقل و هوش به فرزندش چنین سفارش می‌کند:

«فرزندم؛ اگر شکم انسان پر شود، اندیشه‌اش می‌خوابد.» (سوره مؤمنون، آیه ۵۱)

پس اگر دانشجو بخواهد درس را نیک بفهمد باید از پرخوری به‌شدت پرهیز کند.

دوم اینکه زمان خوردن را به‌درستی بشناسد، دانشجو برای لذت غذا نمی‌خورد بلکه برای تقویت جسم می‌خورد و می‌آشامد به تعبیر قرآن کریم: «کلوا من الطیبات و اعملوا صالحاً» (مجموعه مقالات، ج ۲، ص ۶۴۵ - ۶۴۶) یعنی از غذاهای حلال بخورید و عمل صالح انجام دهید.

سوم اینکه آداب غذا خوردن را رعایت کند، پیش از غذا دست خود را بشوید و اگر می‌تواند وضو بگیرد. در آغاز غذا ذکر خدا بگوید، به زمین بنشیند و با دست راست بخورد. لقمه‌های کوچک بردارد تا گرسنه نشده، غذا نخورد و پیش از آنکه سیر شود دست از غذا بردارد. البته این‌ها بخشی از آداب غذا خوردن است که اگر دانشجو آن‌ها را رعایت کند جسمی سالم خواهد داشت.

چهارم اینکه بکوشد بیشتر به کیفیت غذا بیندیشد نه به کمیت آن، از این‌رو سعی کند از غذاهای سنگین، پرچربی و گوشت‌های قرمز کمتر مصرف کند، زیرا غذاهای سنگین مانع درک صحیح دانش می‌شود و قدرت حافظه را به‌شدت ضعیف می‌کند.

در نتیجه در جامعه
باید متخصصان دین
و فرهنگ با آگاهی
از مقتضیات زمان
و اوضاع جدید
به تصحیح عرف
اجتماع بپردازند و
از عوامل عرف ساز
مانند نخبگان، هنر و
جریان‌های اجتماعی
بهره بگیرند، نه آنکه
جامعه را به حال خود
بگذاریم تا عرف آن
ناخواسته به هر سمتی
کشیده شود

نگاهی به يك نمونه از چالش‌های اخلاق دانشجویی تحلیلی بر ارتباط دانشجویان دختر و پسر

حرکت رو به رشد زنان مسلمان در کشور عزیزمان با امواج انقلاب اسلامی متولد شد و در دفاع مقدس، به یاری رزمندگان اسلام شتافت. با فاصله گرفتن از دوره پرتلاطم دهه اول انقلاب، این موج نه تنها فرو نشست، بلکه به حرکت پرشتاب خود در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی ادامه داد که ظهور فعلی‌اش را در علاقه و شور دختران جوان به تحصیل علم در حوزه‌های گوناگون معرفت، اعم از حوزه و دانشگاه و حضور در عرصه‌های گوناگون فرهنگی شاهدیم. قبل از انقلاب در دانشگاه شمار دختران نسبت به پسران اندک بود اما اکنون این نسبت بیشتر شده و در شهرهایی مانند اصفهان که از لحاظ فرهنگی برای ادامه تحصیل دختران مساعد است، این نسبت تا دو برابر افزایش یافته است، این در حالی است که در فضاهای دانشگاه نوعاً اوضاع کاملاً مساعدی برای دختران وجود ندارد و مسائل متعددی را برای آن‌ها بار آورده است، به گونه‌ای که اگر نتوان به موقع با تحلیل صحیح این مسائل، راه حل‌هایی منطبق با اوضاع فرهنگی دینی جامعه اسلامی‌مان ارائه دهیم، نه تنها این نیروی عظیم را هدر داده‌ایم، بلکه چه بسا با جهت‌دهی غلط دشمنان و عملکرد سود نابخردان این توان در مقابله با ارزش‌های دینی و انقلابی مورد استفاده قرار می‌گیرد (مجموعه مقالات، ج ۲، ص ۶۷۴ - ۶۷۵).

مهم‌ترین مشکل و دغدغه فکری دانشجویان دختر و پسر، مسئله ارتباط با جنس مخالف است که متأسفانه به‌زعم اهمیت این موضوع، کمتر به کالبد شکافی آن و ارائه راه حل مناسب با اوضاع فرهنگی کشورمان پرداخته شده است. در این زمینه آنچه تا کنون مطرح شده، بیشتر ناظر به حدود ارتباط است، یعنی مشخص کردن موارد ممنوع در ارتباط، مثلاً حد پوشش زن و مرد را تعیین می‌کنند و حداکثر بیان می‌شود نگاه کردن و سخن گفتن به قصد لذت یا با وجود احتمال گناه و فساد حرام است. در واقع کمتر در مورد خود ارتباط و نحوه ارتباط مجاز از نگاه فرهنگ اسلامی با توجه به مقتضیات زمان مطلبی تشریح شده است. اصولاً دیدگاه مشترکی در بین بعضی از متحجران در حوزه‌های علمیه و متحجدان در فضاهای روشنفکری حاکم است که دین فقط درباره حدود نظر دهد، بعضی نقش داور خط‌نگهدار را داشته باشد که از بازی بیرون است و فقط هر جا بازیکنان از منطقه بازی خارج می‌شوند، اعلام خطا می‌کند. اینها قائل‌اند در مسائل اقتصادی، صرفاً هر جا مثلاً فلان روش اقتصادی خواست وارد معاملات حرام شود نظر دهند. طبق این عقیده دین درباره خود شیوه‌های اقتصادی، نظام تعلیم و تربیت و پدیده‌های اجتماعی نظری ندارد یا نباید داشته باشد، در حالی که آنچه از سیره پیامبر اکرم (ص) و اولیای الهی و از آیات و روایات به‌دست می‌آید این است که دین در متن زندگی حضور فعال دارد، یعنی مانند داور وسط میدان یا قوی‌تر از آن مربی تیم و حتی کاپیتان بازی‌سازی می‌کند و روش‌ها و اصولی برای خود حرکت ارائه می‌کند.

در زمینه ارتباط دختر و پسر نیز معتقدیم دین به خود این ارتباط و نحوه آن نظر داشته و باید با تکیه بر آیات و روایات و سیره اولیا به آن برسیم. در این زمینه با سه نظر مواجه می‌شویم که اگر چه چنین تقسیمی در جای خود ارائه نشده، ولی با مطالعه نظریات گوناگون و توصیه‌های اخلاقی و اجتماعی افراد مختلف می‌توان آن‌ها را استخراج کرد. نظریه اول اصل را در ارتباط دختر و پسر ضرورت و اضطرار می‌داند و می‌گوید تا ضرورت یا اضطراری پیش نیامده، بهتر است هیچ‌گونه ارتباطی بین آن‌ها نباشد. نظریه دوم به عادی شدن این ارتباط اعتقاد دارد و معتقد است آن‌ها قبل از آنکه زن و مرد باشند دو انسان‌اند و باید کاری کرد بدون توجه به جنبه جنسیت، به راحتی ارتباط داشته باشند و از اول با مختلط بار آوردن آن‌ها حساسیت این دو جنس را نسبت به هم کم کنیم (تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۲۸).

نظریه سوم به «نظریه معروف» موسوم است، اصلی که اینجا مطرح می‌شود معروف یا همان عرف پسندیده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان کلمه «معروف» را چنین معنا می‌کند:
«معروف» یعنی امری که انسان با ذوق اجتماعی خود می‌شناسد. کار معروف یعنی نیک، پیوسته با راهنمایی خرد و قانون شرع و فضیلت اخلاقی و آیین ادب مقرون است (مجموعه مقالات، ج ۲، ص ۶۹۰ - ۶۹۲).

حاصل کلام آن که روش معروف یا عرف پسندیده، روشی است که با ذوق اجتماعی شناخته می‌شود و سه شرط دارد: موافقت با عقل، موافقت با شرع و موافقت با طبع انسان، یعنی اموری که در جامعه جا افتاده، ولی خلاف شرع یا عقل یا طبع انسانی باشد، معروف محسوب نمی‌شود.

با چنین تعریفی حال می‌گوییم اصل حاکم بر ارتباط زن و مرد معروف و عرف پسندیده است، یعنی روش پسندیده‌ای که جامعه می‌پسندد با حدود شرع و عقل و طبع.

برای مثال اگر در محیط یک دانشگاه بحث علمی بین دختران و پسران دانشجوی رایج است و با مراجعه به شرع و عقل مخالفتی با آن دیده نمی‌شود و انسان هم مانعی برای آن نمی‌بیند، این بحث علمی مانعی ندارد و موافق معروف است، هر چند ضروری هم نباشد، ولی اگر در محیط دیگر این مسئله رایج نباشد یا به نحوی باشد که مخالف شرع باشد (مثلاً کسی در اتاق با نامحرم تنها باشد یا احساس کند تأثیر منفی در روحیه او می‌گذارد)، طبعاً خلاف معروف است و نباید انجام گیرد پس وضع محیطی، روحیات و خصوصیات انسان، نسبت دو طرف و مسائل دیگر در این امر تأثیر دارد. مثلاً صحبت کردن یک فرد جوان با فرد مسن از جنس مخالف با سخن گفتن دو جوان فرق دارد. همچنین گفت‌وگوی دو مجرد با دو متأهل فرق دارد و صحبت استاد و دانشجو با دو دانشجو با هم تفاوت می‌کند و مواردی از این قبیل که در نوع و نحوه ارتباط مؤثر است. البته باید یادآوری کرد که عملاً ارتباط بین پسر جوان و دختر جوان، به خصوص اگر مجرد باشند، خالی از شائبه نمی‌تواند باشد، هر چند برای آن‌ها محسوس نباشد (مجموعه مقالات، ج ۲، ص ۶۹۷ - ۶۹۸).

در نتیجه در جامعه باید متخصصان دین و فرهنگ با آگاهی از مقتضیات زمان و اوضاع جدید به تصحیح عرف اجتماع بپردازند و از عوامل عرف ساز مانند نخبگان، هنر و جریان‌های اجتماعی بهره بگیرند، نه آنکه جامعه را به حال خود بگذاریم تا عرف آن ناخواسته به هر سمتی کشیده شود. در این صورت فرهنگ مهاجم غرب با استفاده از رسانه‌ها و تکنولوژی پیشرفته عرف جامعه را به سمت و سوی بدی سوق می‌دهد این وظیفه متولیان فرهنگی است. وظیفه عموم افراد این است که در هر محیطی که قرار می‌گیرند ابتدا عرف حاکم بر آن محیط را شناسایی و مواردی از آن را که مخالف عقل و شرع و طبع شخص نیست، ملاک ارتباط با دیگران قرار دهند. در این زمینه بعضی موارد ست که در بین انسان‌ها مشترک است. مثلاً ارتباط پیوسته بین دختران و پسران مجرد و جوان چه بسا مخلّ شرایط روحی آن‌هاست و نگرانی‌هایی را به بار می‌آورد، لذا روش پسندیده در این زمینه، کم کردن این نوع ارتباط‌ها تا حد ممکن است. اختلالات روحی و مسائل بعدی که از ارتباط‌های ساده در بین این افراد ایجاد می‌شود شاید ابتدا ملموس و محسوس نباشد ولی کثرت موارد هر عاقلی را به پرهیز از این سنخ ارتباطات رهنمون می‌کند ■

فهرست منابع

- ابن خلدون، عبد الرحمن. مقدمه تاریخ ابن خلدون. ترجمه محمد گنابادی. (۱۳۵۹ ش). تهران. چاپ هشتم.
- امالی، شیخ طوسی. (۱۴۱۴ ق). انتشارات دارالافتاء. قم. چاپ اول.
- آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. ۷ ج. دانشگاه تهران.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۶). اخلاق کاربردی. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۷۹). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانئ آن. ج ۱. سمت. چاپ اول.
- حجتی، سید محمد باقر. (۱۳۷۲). آداب تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حرانی، ابو محمد. (۱۳۹۴ ق). تحف العقول عن آل الرسول. بیروت: اعلمی.
- خزعلی، ک. (۱۳۷۹). دانشجو، تربیت، پویایی، انتشارات بضعه الرسول. چاپ اول.
- داغ، محمد، رشید اویم، حفظ الرحمن. (قرن ۶-۱ هجری). تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام. ترجمه علی اصغر کوشاقر (۱۳۶۹). انتشارات دانشگاه تبریز. چاپ اول.
- رضوان طلب، محمدرضا. (۱۳۸۶). آیین اخلاق دانشجویی. نشر ریاست جمهوری. مرکز امور زنان و خانواده.
- شهید ثانی. (۱۳۶۸ ش). منبه المرید فی آداب المفید و المستفید. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). تفسیر المیزان، دفتر نشر اسلامی. چاپ ۵.
- طبرسی، حسین بن فضل. (۱۳۹۲ ق). مکارم الاخلاق. چاپ ششم.
- قم: انتشارات الشریف الرضی.
- فیض کاشانی، محسن. (۱۳۴۲). المحجّة البیضاء. تهران: مکتبه الصدوق.
- قرآن کریم.
- کلاتری، علی اکبر. (۱۳۸۵). اخلاق و آداب دانشجویی. نشر معارف. چاپ ۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجموعه مقالات برگزیده همایش سراسری بیم و امید دانشجویان. (۱۳۸۴). نهاد نمایندگی دانشگاه صنعتی سهند تبریز. چاپ اول.
- مجموعه مقالات هم‌اندیش بررسی مسائل و مشکلات زنان. (۱۳۸۰). ج ۲. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. چاپ اول.
- نهج البلاغه. ترجمه سید جعفر شهیدی. (۱۳۷۸). انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ چهاردهم.